

مستندات قرآنی و گونه‌شناسی احادیث باب الرضا بالقضاء

راضیه جهانگیر (کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث)

giti.talash@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۵

چکیده

قبل از بررسی دلالت احادیث، باید به اصل صدور روایت اطمینان داشت و بی‌گمان عرضه روایات بر قرآن کارگشایترین تدبیر برای اطمینان یافتن از صدور روایات از جانب ائمه اطهار علیهم‌السلام است. بر کسی پوشیده نیست که روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام مهم‌ترین ابزار فهم کلام خداوند محسوب می‌شوند. از طرفی ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز بر درخواست سند قرآنی برای فرمایش‌های خود تأکید نموده‌اند. در این پژوهش به بررسی مستند قرآنی احادیث باب رضا بالقضاء - که یکی از باب‌های کتاب شریف اصول الکافی است - پرداخته شده و نیز احادیث این باب نسبت به آیات مربوط گونه‌شناسی شده است. نوشته حاضر نوعی عرضه حدیث محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رضا، قضا، باب رضا بالقضاء، مستندات قرآنی، گونه‌شناسی، اصول الکافی.

مقدمه

با استناد به حدیث ثقلین، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرآن و عترت را مکمل و مؤید یکدیگر قرار دادند و نیز از آنجا که امام باقر علیه‌السلام رجوع به قرآن و خواستن استناد قرآنی در برابر هر حدیث را مورد تأکید قرار داده‌اند،^۱ در این مقاله برآنیم مستندات قرآنی احادیث باب رضا بالقضاء از کتاب الکافی را برشمرده و دلیل استناد این احادیث به آیات مربوط را به همراه گونه‌شناسی احادیث آن بیان

داریم. از آنجا که رضایت به قضا و مقدرات الهی یکی از پایه‌های ایمان به شمار می‌آید (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۲۶)، می‌تواند دلیل اهمیت پرداختن به این موضوع باشد. لذا با توجه به این که بررسی مستندات قرآنی و گونه‌شناسی ابواب الکافی تا کنون انجام نشده است، این مقاله پیشینه‌ای ندارد. حال، با توجه به سؤال اصلی طرح‌نامه در این مقاله در صدد اثبات وجود مستندات قرآنی برای احادیث این باب هستیم و با جست و جو در معاجم قرآنی و نرم افزارهای مربوط و همچنین با مطالعه پیمایشی قرآن به این آیات دست پیدا خواهیم کرد.

ره یافتی مختصر به باب الرضا بالقضاء

این باب (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۶۰ / ۲) شامل سیزده حدیث نورانی است که موضوع آن رضایت دادن انسان به مقدرات الهی و تسلیم در برابر احکام خداوند به معنای اذعان به حکیم بودن او در ربوبیتش است. این رضایت تا آنجا است که چه آن حکم و قضا مورد پسند و چه به ظاهر ناخوشایند باشد، باز هم به حکم خدا راضی است.

رضا به معنای خشنودی و خرسندی است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۵۷ / ۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴ / ۳۲۳). رضای بنده از خدا به معنای آن است که او قضای خدا را مکروه نداند و این امر محقق نمی‌شود، مگر آن که بنده به قضای الهی و احکام تشریعی و تکوینی او راضی باشد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۴ / ۵۷۱).

قضا به معنای حکم کردن، سرنوشت و تقدیرآمده است و همچنین امر نمودن به کاری و فیصله دادن آن، چه با سخن و چه با عمل دانسته شده است که هر کدام از آن‌ها بر دو وجه است: الهی و بشری (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۵۷ / ۷؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۸۷ / ۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴ / ۳۲۴؛ راغب أصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۷۴). قضای منسوب به خداوند، اخصّ از «قدر» است.

همچنین مفهوم واقعی رضایت را در دیدار جابر و امام باقر علیه السلام می‌توان دریافت: آن هنگامی که ایشان به دیدار جابر رفته و احوالش را پرسیدند، جابر گفت: من در حالی هستم که پیری را بر جوانی و مرض را بر سلامت و مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دهم. امام علیه السلام فرمود: «ای جابر، من این چنین نیستم که چیزی را بر چیز دیگر ترجیح دهم. پس اگر خدا مرا پیر کند، پیری را دوست دارم و اگر جوان قرار دهد، جوانی را و اگر مرا مریض کند، مرض را دوست دارم و اگر شفایم

دهد، سلامت را و اگر بمیراند، مردن را دوست می‌دارم و اگر زنده نگه دارد، زندگی را دوست می‌دارم. آن چه را که خداوند، بخواهد تسلیم او هستم» (شهید ثانی، ۱۳۸۰: ۲۰۶).

مستندات قرآنی و گونه‌شناسی روایات بَابُ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ

در این بخش سعی بر آن است که با توجه به روایاتی که ائمه اطهار در آن‌ها بر رجوع به قرآن تأکید نموده و به «روایات عرضه» مشهورند و نیز از آنجا که عرضه روایات به قرآن در عرصه حدیث‌پژوهی در جایگاه بالایی قرار دارد، روایات این باب را بر قرآن عرضه داشته و آیات مربوط را بررسی نموده و مستند قرآنی حدیث را بیابیم.

در عبارتی کوتاه و با توجه به نظر برخی اساتید فن می‌توان مراد از مستند قرآنی را این گونه بیان داشت:

مستند قرآنی اثبات عینی و علمی موافق بودن محتوایی روایات با آیات قرآن است و یافتن خاستگاه قرآنی برای روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام را استناد قرآنی گویند (مطهری، ۱۳۹۲: شماره ۱).

در این نوشتار اثبات خواهیم کرد که بیشتر روایات این باب دارای بنیان قرآنی هستند. لازم به ذکر است که گونه‌شناسی روایات در این نوشتار با توجه به مقاله «روایات تفسیری ابن ولید» انجام می‌شود. نیز در این بخش، به منظور انسجام بخشیدن به موضوع، چینش روایات را تغییر داده و با توجه به محتوای مشترک احادیث، آن‌ها را موضوع‌بندی نموده‌ایم.

۱. رضایت از قضای الهی در گرو شناخت

راضی بودن به قضای خدا در گرو شناخت انسان‌ها است؛ هر چه میزان معرفت انسان نسبت به پروردگارش بالاتر رود، بر تسلیم او افزوده شده و منقاد قضای الهی می‌شود. پس این دو رابطه مستقیم با هم دارند و می‌توان گفت که با علم و عقل، شناختی نسبی به خداوند پیدا شده و دریافت می‌گردد که خداوند قبض و بسط رزق بندگانش را از روی حکمت قرار داده است. بنا بر این، هیچ گاه خداوند را در قضا و قدرش متهم نمی‌سازند. این مفهوم در دو حدیث این باب اشاره شده است. از جمله در روایت دوم از این باب امام صادق علیه‌السلام به این موضوع می‌پردازند:

... قَالَ إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَرْضَاهُمْ بِقَضَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

و نیز امام کاظم علیه‌السلام در روایت پنجم می‌فرمایند:

... قَالَ يَنْبَغِي لِمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ أَنْ لَا يَسْتَبِطُهُ فِي رِزْقِهِ وَلَا يَتَّهِمَهُ فِي قَضَائِهِ.

خدای سبحان نسبت به بندگان قادر و لطیف است و رضایت بر حکم او بر علم و معرفت بنده به مدیریت پروردگار خود دلالت دارد؛ هر چند این معرفت دارای شدت و ضعف است، ولی این رضایت از ثمرات محبت و این محبت ثمره معرفت است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۸/۳).

﴿كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالَ وَهُوَ كَرِهَ لَكُمْ...﴾ (بقره: ۲۱۶).

این آیه دانستن خیر و شر را به خداوند اختصاص داده است. در نتیجه، با توجه به حدیث، لزوم رضایت به حکم خدا، به زعم ناخشنودی از آن را به نحوی می‌توان نشانه‌ای از شناخت دانست. لذا افراد بی‌شناخت فقط تحت تأثیر ظاهر احکام الهی هستند که در آیه نیز به آن اشاره شده است. بنا بر این، حدیث فوق این مفهوم را از بطن آیه مورد نظر بیرون آورده است و از نظر گونه‌شناسی جزء روایات بیان تأویل و بطن است.

﴿... قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ...﴾ (احقاف: ۱۵).

با توجه به مضمون آیه، کمال عقل و رسیدن به شناخت، مقتضی گرایش انسان به تسلیم شدن، در برابر پروردگار است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸: ۱۴/۵۷۴). در نتیجه، شکر نعمت و انجام اعمالی که رضایت الهی را در بر دارد، همه ناشی از معرفت کافی است که در حدیث نیز رضایت به قضای الهی را بالاترین درجه شناخت بیان کرده است. بنا بر این، حدیث بطن این آیه را تأویل کرده است و از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تأویلی است.

﴿فَأَمَّ الْإِنْسَنَ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِي ۖ وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِي﴾ (فجر: ۱۵ و ۱۶).

وقتی انسان آیات قرآن و روایات را با علم و اندیشه لمس نمود، برای پریشانی دل نسبت به آنچه از عنایات مادی حق در دست دیگران است، جایی نمی‌ماند؛ زیرا تقسیم روزی بر اساس عدل است. در این آیه، انسان‌ها با مشاهده تفاوت در روزی‌ها خداوند را متهم می‌سازند. لذا با توجه به حدیث، علت این نگرش اتهام‌آمیز عدم آگاهی اکثر مردم است. بنا بر این، حدیث فوق، به دلیل برداشت عمقی از متن آیه و بیان تأویل آن، از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تأویلی است.

﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (روم: ۳۷).

از آن جا که این آیه اشاره دارد که چرا نمی‌نگرید که بسط و قبض رزق به دست خدا است، در نتیجه، به لزوم تفکر در نقش مشیت الهی در تفاوت روزی و نکوهش بندگان، از ناآگاهی آنان اشاره دارد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸: ۱۴ / ۴۶۴). لذا با توجه به حدیث افرادی که عقل خدایی پیدا کرده‌اند، تفاوت در رزق و روزی را منطبق بر مشیت و حکمت الهی می‌دانند. بنا بر این، حدیث به شرح بیشتر این آیه پرداخته و از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری است.

۲. جایگاه رفیع صبر در طاعت

این که صبر در عبادت از جایگاه رفیعی برخوردار است و در دو حدیث از این باب رأس طاعت خداوند دانسته شده است، باید گفت بین صبر و رضا تفاوت وجود دارد و خود این دو مقوله دارای درجات متفاوتی است؛ لیکن در احادیث شریف این باب، صبر و رضا دارای معانی یکسانی هستند. امام سجاد (ع) در روایت سوم از این باب موضوع صبر را این گونه بیان می‌دارند:

... قَالَ: الصَّبْرُ وَالرِّضَا عَنِ اللَّهِ رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ وَمَنْ صَبَرَ وَرَضِيَ عَنِ اللَّهِ فِيمَا قَضَى عَلَيْهِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ لَمْ يَقْضِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ.

همچنین امام صادق (ع) در روایت اول این گونه می‌فرمایند:

رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ الصَّبْرُ وَالرِّضَا عَنِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ الْعَبْدُ أَوْ كَرِهَ وَلَا يَرْضَى عَبْدٌ عَنِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ.

شریف‌ترین عبادت صبر است و رضایت بنده به آنچه که مورد پسند اوست، همچون سلامت و امنیت و یا آنچه ناپسند اوست، همچون بیماری و تنگدستی، در حکم صبر بر قضای خداوند است؛ آن چنان که در نهایت، این حکم خدا به مصلحت اوست (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۴۰ / ۳).

﴿كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۲۱۶).

از آنجا که آیه به مطلوب بودن رضایت انسان به مقدرات الهی، به رغم میل نفسانی خود و لزوم اجرای حکم خدا اشاره دارد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸: ۱۴ / ۵۷۴) و حدیث نیز به صوری بر آنچه خدا حکم می‌کند پرداخته، در نتیجه، این حدیث توضیح بیشتر این آیه است. بنا بر این، حدیث فوق از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری است.

﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره: ۱۵۶).

در تفسیر کبیر، ذیل این آیه صبر بر قضا را این گونه بیان داشته است که بنده خود را مغلوب خدا می‌داند، آن طور که گویا در برابر سلطانی حاضر شده است و نفس خود را فراموش می‌کند و تمام توجهش به اوست (رازی: ۱۷۶). در نتیجه، در مواجهه با مصائب بر آن مصیب صبر کرده و رضایت دارد. همچنین از آنجا که رضایت به مقدرات و قضای الهی، از ویژگی‌های مؤمنان صابر است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸: ۱۴ / ۵۷۵)، لذا حدیث نیز صبر را نشانی از رضایت به مقدرات الهی دانسته است. پس حدیث در جایگاه روایات تفسیری قرار دارد.

﴿وَلْتَبْلُوْكُمْ بِشَیْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ... وَبَشِّرِ الصَّابِرِیْنَ﴾ (بقره: ۱۵۵).

این آیه به صبر در آزمون‌های الهی اشاره دارد و روشن است که این آزمون‌ها بر اساس حکمت پروردگار و مصلحت انسان صورت می‌پذیرد و در این مسیر، به انسان‌های شایسته پاداش ارزشمندی ارزانی می‌شود (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ۱ / ۳۴۱). در این آیه اشاره به بشارت صابریانی کرده است که در سختی‌ها صبر را پیشه خود می‌کنند. در نتیجه، می‌توان گفت حدیث امثال این آیه را تفسیر کرده است. لذا از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری به شمار می‌آید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره: ۱۵۳).

در تفسیر مجمع البیان ذیل این آیه، و به استناد از فرموده امیرمؤمنان علیه السلام،^۲ صبر در این آیه شریفه را بر دو گونه بیان داشته است: صبر بر آنچه میل نداری، و صبر از آنچه دوست داری (شریف الرضی، ۱۳۸۶: ۷۶۳). و نیز در این آیه به حمایت خداوند از صابران اشاره شده است. لذا می‌توان گفت این حدیث با توضیح بیشتر مفاهیم این آیه از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری به شمار می‌آید.

﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَايِ الْبَلِّ فَسَبِّحْ وَاطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ﴾ (طه: ۱۳۰)؛

از آنجا که صبر، زمینه‌ساز رضا به قضا و قدر الهی است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸: ۱۴ / ۵۸۲)، در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شده است: «صبر داشته باش» تا به تقدیرات و سنت‌های الهی خشنود شوی. رضا در این آیه، نتیجه صبر است. حدیث نیز دستور به صبر داده است. از این جهت این آیه را تفسیر کرده است و از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری به شمار می‌آید.

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ... هُوَ خَيْرٌ اٰهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ

مَا سَأَلْتُمْ ... ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾ (بقره/ ۶۱).

از آنجا که رضایت از مقدرات الهی، تأمین کننده خیر و مصلحت واقعی انسان است (همان: ۵۷۱)، این آیه به بیان ناراضی بودن قوم حضرت موسی بر آنچه خداوند بر آنان مقرر شده بود پرداخته؛ در حالی که با توجه به حدیث، اگر آنان به حکم خدا رضایت داشتند، برای آنان بهتر بود؛ زیرا خداوند جز خیر برای بندگان حکمی نمی‌راند. بنا بر این، حدیث در مفهومی مخالف، این رفتار قوم موسی را نهی کرده و به صبر بر مقدرات تأکید دارد. در نتیجه، از نظر گونه‌شناسی در جایگاه روایات تفسیری قرار می‌گیرد.

۳. نیل به مقام رضا در آزمون و ابتلاء

در حدیث چهارم این باب، از نگاهی دیگر به موضوع رضا پرداخته شده است. امام باقر علیه السلام بیان می‌دارند:

... قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ عِبَادًا لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْغَنَى وَالسَّعَةِ وَالصَّحَّةِ فِي الْبَدَنِ فَأَبْلُوهُمْ بِالْغَنَى وَالسَّعَةِ وَصِحَّةِ الْبَدَنِ فَيُصْلِحُ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ وَإِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لِعِبَادًا لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرُ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْفَقَةِ وَالْمُسْكِنَةِ وَالسُّقْمِ فِي أَبْدَانِهِمْ فَأَبْلُوهُمْ بِالْفَقَةِ وَالْمُسْكِنَةِ وَالسُّقْمِ فَيُصْلِحُ عَلَيْهِمْ أَمْرُ دِينِهِمْ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ أَمْرُ دِينِ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ وَإِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَجْتَهِدُ فِي عِبَادَتِي فَيَقُومُ مِنْ رُقَادِهِ وَلَذِيذِ وَسَادِهِ فَيَتَّجِدُ لِلْيَالَى فَيَتَّعِبُ نَفْسَهُ فِي عِبَادَتِي فَأَضْرِبُهُ بِالتُّعَاسِ اللَّيْلَةَ وَاللَّيْلَتَيْنِ نَظْرًا مِنِّي لَهُ وَإِثْقَاءٌ عَلَيْهِ فَيَنَامُ حَتَّى يُصْبِحَ فَيَقُومُ وَهُوَ مَاقَتْ لِنَفْسِهِ زَارِيَّ عَلَيْهَا وَلَوْ أَخْلَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَا يُرِيدُ مِنْ عِبَادَتِي لَدَخَلَهُ الْعُجْبُ مِنْ ذَلِكَ فَيُصَيِّرُهُ الْعُجْبُ إِلَى الْفِتْنَةِ بِأَعْمَالِهِ فَيَأْتِيهِ مِنْ ذَلِكَ مَا فِيهِ هَلَاكُهُ لِعُجْبِهِ بِأَعْمَالِهِ وَرِضَاهُ عَنْ نَفْسِهِ حَتَّى يَظُنُّ أَنَّهُ قَدْ فَاقَ الْعَابِدِينَ وَجَازَ فِي عِبَادَتِهِ حَدَّ التَّقْصِيرِ فَيَتَّبَعِدُ مِنِّي عِنْدَ ذَلِكَ وَهُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ فَلَا يَتَّكِلُ الْعَامِلُونَ عَلَى أَعْمَالِهِمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا لِثَوَابِي فَإِنَّهُمْ لَوْ اجْتَهَدُوا وَاتَّعَبُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَفْنَوْا أَعْمَارَهُمْ فِي عِبَادَتِي كَانُوا مُقْصَرِينَ غَيْرِ بِالْغَيْنِ فِي عِبَادَتِهِمْ كَنَّهُ عِبَادَتِي فِيمَا يَطْلُبُونَ عِنْدِي مِنْ كَرَامَتِي وَالتَّعِيمِ فِي جَنَاتِي وَرَفِيعِ دَرَجَاتِي الْعُلَى فِي جِوَارِي وَكَئِنْ فَبِرَحْمَتِي

فَلْيَتَّقُوا وَبِغَضِي فَلْيَغْفِرُوا وَإِلَى حُسْنِ الظَّنِّ بِي فَلْيَطْمَئِنُّوا فَإِنَّ رَحْمَتِي عِنْدَ ذَلِكَ تَذَارِكُهُمْ وَمَنِّي يُبَلِّغُهُمْ رِضْوَانِي وَمَغْفِرَتِي تُلِيسُهُمْ عَفْوِي فَإِنِّي أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَبِذَلِكَ تَسْمِيْتُ.

با توجه به حدیث گاهی اصلاح دین بنده توسط خداوند، در گرو آزمون و ابتلا به سختی و رفاه است و گاهی در محروم ساختن او از عبادت خویش است زیرا خطر عجب از عبادت برای او گران‌تر از دوری از عبادت است. و امید رسیدن به مقام رضا تنها با تمسک به رحمت و فضل الهی مقدور است که این از رحمانیت و رحمیت خداوند نشأت می‌گیرد.

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره: ۱۵۵).

﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ (شوری: ۲۷).

در صدر حدیث آمده است که انسان‌ها با شیوه‌های مختلف در معرض امتحان الهی هستند؛ تفاوت در روزی آن‌ها، بروز حوادث تلخ و شیرین و ... همه با مشیّت و حکمت خداوند منطبق است؛ زیرا این توسعه و قبض رزق برای تقویت ایمان بندگان و اصلاح دین بندگان است (برگرفته از: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸: ۱۴/۴۶۶). این دو آیه تقدیر در روزی بندگان و انواع آزمون‌های الهی را به مصلحت آنان دانسته است. با توجه به دلالتی که در حدیث آمده، می‌توان این مصلحت را در جهت تقویت و اصلاح دین بندگان دانست. در نتیجه، حدیث فوق تأویل آیه مورد نظر را بیان کرده است و از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تأویلی است.

﴿وَآتَاكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾ (إبراهیم: ۳۴).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ (بقره: ۱۷۲ آل عمران: ۱۵۴)

سپس بعد از آن اندوه، آرامشی که خوابی سبک را در پی داشت بر شما نازل کرد، ولی تنها گروهی از شما را فراگرفت، و گروهی دیگر که از فرار خود پشیمان نشده بودند و به سوی پیامبر بازگشتند و تنها حفظ جان‌شان برای آنان اهمیت داشت، آرامشی نیافتند و از بیم و هراس چشم بر هم ننهادند. آنان در باره خدا، همچون گمان دوران جاهلیت، گمانی نادرست بردند و گفتند: آیا چیزی از این کار (پیروزی در جنگ) از آن ما هست؟

مگر نه این است که پیروان حق باید پیروز باشند؟ بگو: کارها همه از آن خدا و در اختیار اوست. آنان در دل هایشان اندیشه‌هایی را نهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌کنند و می‌گویند: اگر چیزی از این کار از آن ما بود، در این جا کشته نمی‌شدیم. بگو: اگر در خانه‌هایتان هم بودید، کسانی که کشته شدن بر آنان نوشته شده بود، به سوی آرامگاه‌های خود بیرون می‌رفتند، تا کارهایی که باید، انجام گیرد و تا خدا آنچه را که در سینه‌های شماست بیاوراند و آنچه از ایمان و کفر در دل‌های شماست خالص گرداند، و خدا به راز سینه‌ها داناست.

و جوب شکر خدا، همانند وجوب عبادت در برابر اوست (همان: ۳۵۶/۱۷). یکی از جنبه‌های عبادت شکر نعمت‌ها است و از آنجا که بندگان از شمارش و احصای نعمات و نیز شکر بر تمام نعمات ناتوان‌اند، در حدیث به ناتوانی انسان از کنه عبادت خداوند اشاره شده است. لذا با بررسی این دو آیه می‌توان این حدیث را تأویل این آیات دانست و از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تأویلی قرار گیرد.

﴿جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾ (بینه: ۸).

در تفسیر القمی ذیل آیه فوق آمده است:

بهترین جزا برای بهترین خلق بهشت جاوید است. این بهشت پاداش مؤمنانی است که خدا از اعمال آن‌ها راضی است و آن‌ها نیز از پاداش خداوند رضایت دارند و این مقام به موجب خوف و خشیت از خدا و ترک معصیت پدیدآمده است (قمی، ۱۴۰۴ق: ۲/ ۴۳۳).

و این مستلزم معرفت و مقام خشیت است؛ نه عجب و تکبر. لذا در حدیث نیز آمده که عبادت باید همراه با خشیت باشد. اگر خدا بنده‌ای را واگذارد تا هر چه خواهد عبادت کند، دچار خودبینی می‌شود و او را نسبت به اعمالش فریفته می‌سازد و باعث هلاک دینش می‌شود. با توجه به این که حدیث آیه را شرح داده است، از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری است.

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا... إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُخُورًا﴾ (نساء: ۳۶).

از آنجا که در این آیه به عبادت بدون تکبر و عجب دستور داده شده است. از بررسی این حدیث می‌توان گفت خطر عجب و غرور از خود گناه بیشتر است چرا که منشاء این

عجب، ناآگاهی و جهل به عظمت معبود و غنای او از طاعت مخلوقات است (مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴: ۸/۸). با توجه به حدیث خداوند جهت جلوگیری از عجب، از سر لطف سلب توفیق عبادت را به آنان ارزانی داشته تا دچار این عجب نشوند. پس این حدیث به شرح آیه پرداخته و از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری است.

﴿مَا يَوْذُ الَّذِينَ كَفَرُوا... أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ... وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (بقره: ۱۰۵).

آیه بیان می‌دارد که بهره‌مندی از هر گونه خیر، نمودی از فضل خداوند است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸: ۱۴/۵۷۴) و خداوند رحمت خاص خود را به هر که بخواهد ارزانی می‌دارد. در حدیث نیز این چنین بیان شده است که بندگان تنها باید به رحمت خدا اعتماد کنند و به فضل او شادمان باشند و به خدا حسن ظن داشته باشند، لذا می‌توان حدیث را شرح این آیه دانست و از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری برشمرد.

۴. رضا از نشانه‌های مؤمنین

سه حدیث از این باب نشانه‌های مؤمن را، رضایت او در بلاها و عافیت‌ها دانسته است و مؤمنان در سایه صبر بر بلاها و شکر بر نعمت‌ها است که در زمره صدیقین قرار خواهند گرفت. از آنجا که یکی از نشانه‌های ایمان صبر بر بلاها و شکر نعمات است. این صبر و شکر به همراه رضایت بر مقدرات، نشانی از حاکم دانستن خدا بر خود است و نشانی از اخلاص دارد که این اخلاص موجب ضمانت استجابت دعا نیز می‌گردد. و در مقابل نارضایتی از مقدرات باعث سبک شمردن مرتبه خود می‌شود. امام صادق علیه السلام در روایت ششم از این باب این گونه به این موضوع می‌پردازد:

قَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - عَبْدِي الْمُؤْمِنَ لَا أَصْرِفُهُ فِي شَيْءٍ إِلَّا جَعَلْتُهُ خَيْرًا لَهُ فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي وَلْيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي وَلْيَشْكُرْ نِعْمَائِي أَكْتُبُهُ يَا مُحَمَّدُ مِنَ الصَّادِقِينَ عِنْدِي.

امام صادق علیه السلام در روایت هفتم نیز فرموده‌اند:

مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ فَإِنِّي إِنَّمَا أَبْتَلِيهِ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأُعَافِيهِ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَزْوِي عَنْهُ مَا هُوَ شَرٌّ لَهُ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ عَبْدِي فَلْيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي وَلْيَشْكُرْ نِعْمَائِي وَلْيَرْضَ بِقَضَائِي أَكْتُبُهُ فِي الصَّادِقِينَ عِنْدِي إِذَا عَمِلَ بِرِضَائِي وَأَطَاعَ أَمْرِي.

امام صادق علیه السلام در روایت یازدهم نیز این گونه بیان می دارند که رضایت بر قضای الهی با دعا کردن و خواستن از خداوند مغایرت ندارد:

قَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، كَيْفَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا وَهُوَ يَسْحَطُ قِسْمَهُ وَيَحَقِّرُ مَرْكَتَهُ وَالْحَاكِمُ عَلَيْهِ اللَّهُ وَأَنَا الصَّامِنُ لِمَنْ لَمْ يَهْجُسْ فِي قَلْبِهِ إِلَّا الرَّضَا أَنْ يَدْعُو اللَّهَ فَيَسْتَجَابَ لَهُ.

اگر چه انسان در مقام رضا بر این باور است که هر چه پیش می آید، به اراده خداوند است و مصلحت او را در بر دارد، ولی به این نکته هم باور دارد که از جمله علل و عوامل مؤثر در این مصلحت، خود اوست؛ یعنی ویژگی های فردی و شایستگی های او در نزد خداوند چنان است که خداوند حوادثی خاص را برای او رقم می زند. پس اگر او بکوشد و از خدا طلب شایستگی های بیشتری داشته باشد تا حوادثی دیگر و مناسب تر با تقرب او پیش آیند، از حالت رضا خارج نشده است (فتحعلی خانی: ۱ / ۲۴۲).

﴿قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ... رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (مانده: ۱۱۹).

مفهوم آیه این است که رضای خداوند از صادقان و رضای آنان از خداوند، بالاتر از دستیابی به بهشت است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸: ۱۴ / ۵۷۸). با توجه به این حدیث می توان گفت که مقام رضا درجه ای است که آنان نه تنها به قضای الهی از بلا و نعمت صبر می کنند که شاکر و سپاس گزار نیز هستند؛ چرا که ایمان دارند آنچه خدا بر آنان حکم می کند، خیر است. لذا می توان گفت این حدیث شرح آیه مذکور است و آن را می توان جزء روایات تفسیری برشمرد.

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَبَلَّوْكُمْ بِالْشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ (انبیاء: ۳۵).

هر انسانی مرگ را خواهد چشید، و ما شما را در مدت عمرتان، چنان که باید، به بد و نیک می آزماییم، و سرانجام به سوی ما باز گردانده می شوید.

(انبیاء: ۳۵).

﴿...الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ... وَرِضْوَانًا وَيَتُصَّرُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَوْلَىٰكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (حشر: ۸).

﴿...الصَّادِقِينَ... لَهُمْ جَنَّاتٌ... رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْ ذَلِكَ الْفَوْزُ

العظیم﴾ (مانده: ۱۱۹).

از آنجا که بلا بر دو نوع خیر و شر است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۷/۸)، خداوند بندگان خود را به هر دو بلا مبتلا می‌گرداند (آیه اول) و تا جایی که آنان در سایه صبر و شکر بر هر یک از این بلاها در زمره صدیقین قرار می‌گیرند و بدان معنا است که آنان جویای فضل و رضوان خداوند (آیه دوم). پس صدیقان نیز به خاطر اطاعت و صبر در برابر امر و قضای الهی از خداوند راضی هستند و خداوند نیز از آنان رضایت دارد (آیه سوم). با توجه به این که حدیث فوق به توضیح آیات پرداخته است که خداوند بنده‌اش را به آنچه برای او خیر است، مبتلی می‌کند و به آنچه برایش خیر است، عافیت می‌دهد و با این تأکید و توضیحی که بر آیات فوق دارد، از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری است.

﴿... وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَفَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ﴾ (شوری: ۴۸).

در احادیث فوق، شرط ایمان را رضایت از مقدرات الهی دانسته است. پس کسانی که از تقدیر خود راضی نیستند و در برابر ناخوشایندی شکوه می‌کنند، دارای ضعف ایمان هستند. این حدیث روشن می‌سازد که انسان‌های کفور و ناسپاس مورد اشاره در آیه از ضعف ایمان برخوردارند و در تقدیرات دو گونه برخورد می‌کنند. به همین دلیل، از مقدرات خود ناراضی هستند. این حدیث، آیه را توضیح داده است و از نظر گونه‌شناسی جزء احادیث تفسیری است.

﴿وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُبِينِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ﴾ (روم: ۳۳).

در آیه اشاره دارد که افراد سست ایمان در صورت رسیدن ضرر و زیان، با تضرع و دعای خالصانه به سوی خدا روی می‌آورند و در عوض، رحمت و گشایش از سوی خدا باعث غفلت آن‌ها می‌شود. در این حدیث با توضیح این که به هنگام رسیدن رحمت الهی از خداوند غافل شده و سرمست می‌شوند، علت تزلزل ایمان آن‌ها را عدم رضایت از خدا می‌داند. بنا بر این با توجه به توضیحی که در حدیث آمده است، از نظر گونه‌شناسی این حدیث از نوع تفسیری است.

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (نساء: ۳۲).

در این آیه به منافات نداشتن رضا به عطای خدا، با دعا و درخواست عطایا از فضل الهی اشاره دارد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸: ۱۴ / ۵۷۴) و حدیث نیز با بیان استجابت دعا و مشروط کردن آن به اخلاص، به مغایرت نداشتن دعا با رضایت الهی اذعان دارد. پس حدیث فوق، آیه مربوطه را تبیین می‌کند. بنا بر این، از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری است.

۵. جایگاه تسلیم و رضا

تسلیم بودن به قضای الهی، چه در هنگام دارا بودن بالاترین مقام‌ها و داشتن رفاه و چه در بدترین شرایط زندگی و سختی‌ها باعث رسیدن به اجر عظیم خواهد شد و در عوض، ناراحتی از قضای الهی باعث از بین رفتن اجر و در نتیجه، تباهی خواهد شد که سه حدیث از این باب، رضایت به قضای الهی را با تسلیم بر آن یکسان دانسته است.

مسلم به معنای مؤمنی است که فرمان‌بردار و مطیع پروردگار است و در برابر مقدرات الهی سر تسلیم فرود می‌آورد؛ چه تمام دنیا را به او ببخشند و چه گوشش را پاره پاره نمایند. و تعجب امام صادق (ع) در روایت هشتم تعجبی مجازی است و برای بیان عظمت و غرابت این امر است؛ و گر نه هیچ امری بر حضرتش پوشیده نیست (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۸ / ۸).

... قَالَ: عَجِبْتُ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ لَا يَقْضِي اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ قَضَاءٌ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ
وَإِنْ قُرْضَ بِالْمَقَارِضِ كَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ مَلَكَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا كَانَ خَيْرًا لَهُ.

نیز امام باقر (ع) در روایت نهم اشاره دارد:

... قَالَ: أَحَقُّ خَلْقِ اللَّهِ أَنْ يُسَلَّمَ لِمَا قَضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ، مَنْ عَرَفَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ رَضِيَ بِالْقَضَاءِ أَتَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ عَظَّمَ اللَّهُ أَجْرَهُ وَ مَنْ سَخِطَ الْقَضَاءُ مَضَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ أَحْبَطَ اللَّهُ أَجْرَهُ.

در ادامه این بحث، امام صادق (ع) در روایت دوازدهم این گونه بیان می‌دارد:

... قَالَ: قُلْتُ لَهُ: بِأَيِّ شَيْءٍ يَتَعَلَّمُ الْمُؤْمِنُ بِأَنَّهُ مُؤْمِنٌ؟ قَالَ: بِالتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَ الرِّضَا فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنْ سُورٍ أَوْ سَخِطٍ.

می‌دانیم ایمان چهار پایه دارد: توکل بر خدا، واگذاشتن کار به خدا، تسلیم به امر خدا، و رضا به قضای خدا (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۲۶). پس مؤمن واقعی در برابر آنچه برایش مقدر می‌شود، رضایت دارد؛ چه برایش شادی به همراه آورد، چه اندوه و خشم. وقتی رضا به حکم حق

در قلب عبد تجلی کرد، جایی برای پریشانی دل و محلی برای رشک و حسد نسبت به مردم نمی‌گذارد، و موقفی برای خوار شمردن قضا و قدر الهی به جا نمی‌ماند.

﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ يَبْدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (آل عمران: ۲۶).

خداوند به هر کس که بخواهد، مُلک (قدرت و حاکمیت) می‌دهد و از هر کس بخواهد، باز می‌ستاند. هر کس را که بخواهد، عزیز و هر کس را که بخواهد، ذلیل می‌کند. اراده و مشیت الهی جز به خیر تعلق نمی‌گیرد و اعطای ملک و عزّت و نیز سلب آن از جانب خداوند، تنها بر اساس خیر و مصلحت است.

از تقدیم اعطای ملک بر گرفتن آن ﴿تُؤْتِي الْمُلْكَ ... وَ تَنْزِعُ ...﴾، و از تقدیم اعطای عزّت بر ذلت ﴿تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ ...﴾، استفاده می‌شود که اصل، در مشیت الهی، اعطای خیر و رحمت به انسان است.

انحصاری که از تقدیم خبر بر مبتدا و عموم (هر گونه ...)، از الف و لام استغراق در «الخیر» مستفاد است، بدین معنا است که منشأ هر گونه خیر در هستی، تنها خداوند است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۹۶/۲) و تمامی خیرها به طور مطلق به دست خدا است (علامه طباطبائی، ۱۴۱۲ق: ۳ / ۱۹۲). با توجه به این که حدیث فوق مقدرات الهی را چه بخشش تمام دنیا باشد و چه چیدن گوشت به مقراض، خیر دانسته و وظیفه انسان را تسلیم بودن در برابر آن‌ها می‌داند، تفسیری بر این آیه است و از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری است.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ﴾ (قصص: ۸۰).

مؤمنان واقعی اطمینان دارند که صبر همراه با ایمان و عمل صالح، عامل بهره‌مندی از پاداش خیر است و سرنوشت انسان و دارایی و فقر در زندگی او، بر اساس قضای خداوند است که مؤمنان بر طبق این حدیث، بر آن قضا رضایت دارند. با توجه به تأکیدی که حدیث بر این آیه داشته است، می‌توان حدیث فوق را از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری دانست.

﴿وَلَوْ أَنَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ... وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَنِيًّا* وَإِذَا لَا يَتَيْنَاهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (نساء: ۶۶ و ۶۷).

از مضمون آیه به دست می‌آید که تسلیم همه‌جانبه مؤمنان در برابر احکام خداوند، موجب پاداش بزرگ خداوند می‌شود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸: ۵۸ / ۸). لذا با توجه به حدیث درمی‌یابیم که تسلیم بودن در برابر خداوند نشانه شناخت از خداوند است. بنا بر این، حدیث فوق با تبیینی که از آیه داشته است، از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری است.

﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾

این حقیقت را یادآور شدیم تا بر نعمت‌هایی که از دست داده‌اید، اندوه مخورید و از آنچه خدا به شما ارزانی کرده است شادمان نباشید، که خدا هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد. (حدید: ۲۳).

این حدیث نشانه مؤمن را تسلیم بودن بر آنچه خداوند بر بنده پیش آورده می‌داند که رضایت آنان از خداوند را نیز شامل می‌شود. پس افرادی که تسلیم خدا نیستند، در زمره افراد راضی قرار نمی‌گیرند. در نتیجه، حدیث فوق با توضیح ویژگی این افراد در این آیه، از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری قرار می‌گیرد.

۶. رضا بالاترین درجه زهد

زهد دارای مراتبی است، که از ورع و تقوای پیشگی آغاز و ادامه آن رسیدن به یقین و در نهایت به مقام رضا - که بالاترین درجه است - می‌رسد. تنها یک روایت از این باب - که توسط امام زین العابدین (علیه السلام) در روایت دهم بیان شده - به این موضوع پرداخته شده است:

الرَّهْدُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ، أَعْلَىٰ دَرَجَةِ الرَّهْدِ أَذْنَىٰ دَرَجَةِ الْوَرَعِ وَأَعْلَىٰ دَرَجَةِ الْوَرَعِ أَذْنَىٰ دَرَجَةِ الْيَقِينِ وَأَعْلَىٰ دَرَجَةِ الْيَقِينِ أَذْنَىٰ دَرَجَةِ الرِّضَا.

از این روایت استفاده می‌شود که برای زهد (بی‌رغبتی و عدم تمایل به دنیا) مراتب و درجاتی است که چون سالک الی الله به بالاترین درجاتش رسد، وارد پایین‌ترین درجات ورع (ترک محرمات و شبهات) شده است و نیز از آنجا صعود می‌کند و به مراتب یقین و در نهایت به مرتبه رضا می‌رسد.

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (مجادله: ۲۲).

با توجه به حدیث - که با بیان مراتب زهد، مقام رضا را در بالاترین جایگاه معرفی می‌نماید - می‌توان دریافت که در این آیه نیز قرین بودن رضایت از خدا با رستگاری به معنای برتر بودن مقام رضا نسبت به دیگر مراتب است. در نتیجه، حدیث این آیه را تبیین می‌کند. بنا بر این از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّاتِي﴾ (فجر: ۲۷ - ۳۰).

از بالاترین مراتب نفس، نفس مطمئنه است تا آنجا که آنان در برابر بلا و نعمت هیچ تغییری در حالتشان پدید نمی‌آید؛ زیرا برایشان ثابت شده است که هر دو از رحمت تامه خدا ناشی است و این حاصل نمی‌شود، مگر با رضایت بر قضای الهی (رازی، ۱۳۱۴: ۱۶/۱۷). در نتیجه با توجه به حدیث - که بالاترین درجه را مقام رضا معرفی کرده است - می‌توان دریافت نفس مطمئنه بالاترین مرتبه نفس است. بنا بر این، حدیث فوق تأویل آیه را بیان داشته است و از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تأویلی است.

﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ (حدید: ۲۳).

این حقیقت را یادآور شدیم تا بر نعمت‌هایی که از دست داده‌اید، اندوه مخورید و از آنچه خدا به شما ارزانی کرده است شادمان نباشید، که خدا هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ذیل این آیه همه زهد را در میان دو کلمه از قرآن، یعنی اندوهگین نشدن از آنچه از دستتان رفته و شاد نشدن از آنچه به شما داده شده است دانسته‌اند.^۳ حدیث - که رضا را در بالاترین درجه زهد برشمرده است - مفهوم آیه را کامل کرده و تفسیر نموده است. بنا بر این، حدیث فوق از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری است.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا... أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ (توبه: ۲۰)

کسانی که ایمان آورده و هجرت نموده و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده‌اند، نزد خدا از همه بلندمرتبه‌ترند و اینانند که نیکبخت خواهند بود.

﴿يُسِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ﴾ (توبه: ۲۱)

این گروه از مؤمنان اند که پروردگارشان آنان را به رحمتی والا از جانب خویش و به خشنودی خود و بوستان‌هایی از بهشت که در آن‌ها برایشان نعمتی پایان ناپذیر است مژده می‌دهد.

(توبه: ۲۰ و ۲۱).

در آیه فوق بالاترین درجه نزد خدا را پس از بشارت رحمت، مقام رضا و بهشت معرفی نموده است. با توجه به حدیث - که بالاترین درجه را مقام رضا دانسته - می‌توان نتیجه گرفت که بالاترین فوز و رستگاری، رسیدن به مقام رضا است. بنا بر این، حدیث یاد شده آیه را تبیین کرده است و از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری است.

﴿وَسَيَجْزِيهَا الْآتِقَىٰ * إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ * وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ﴾ (لیل: ۱۷، ۲۰ و ۲۱).

آیه ابتدا به داشتن تقوا اشاره کرده و مؤمنان در پس داشتن تقوا به مقام رضا خواهند رسید که با توجه به حدیث می‌توان دریافت جایگاه رضا بر تقوی اولویت دارد. لذا این حدیث تأیید آیه مورد نظر است و از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری محسوب می‌شود.

﴿وَكَذَٰلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَيَكُونَ مِنَ الْمُؤَفِّقِينَ﴾ (أنعام: ۷۵).

در آیه - که به نشان دادن ملکوت آسمان‌ها به ابراهیم علیه السلام برای رسیدن به یقین اشاره دارد - می‌توان برداشت کرد که حضرت ابراهیم علیه السلام نیز همچون یوسف علیه السلام تقوی الهی داشته است و برای رسیدن به یقین، درخواست دیدن ملکوت را دارد. پس تقوا زمینه‌ای برای رسیدن به یقین است و با توجه به حدیث درمی‌یابیم که مرتبه یقین بالاتر از تقوا است. در نتیجه، حدیث از نظر گونه‌شناسی جزء روایات تفسیری است.

﴿أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَن بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَ مَاَوَاهُ جَهَنَّمَ وَ بئسَ الْمَصِيرُ * هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ (آل عمران: ۱۶۲).

آیه به رضوان و سخط الهی اشاره کرده و سپس از درجات بندگان نزد خداوند سخن می‌گوید. با توجه به حدیث می‌توان دریافت که در آیه، ایمان و زهد نزد خدا دارای درجه‌بندی است. در نتیجه، با توجه به تأییدی که در حدیث شده است، گونه‌شناسی حدیث از نوع روایات تفسیری است.

۷. تقابل رضایت با افسوس

افسوس نخوردن یکی از نشانه‌های رضایت است؛ بدین گونه که اگر کسی به قضا و مقدرات الهی رضایت کامل داشته باشد، هرگز افسوس بر گذشته نمی‌خورد؛ زیرا او بر همه چیز راضی است. در نتیجه، همانند پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله - که هیچ گاه «ای کاش» را به زبان نمی‌آوردند - رفتار می‌کند. امام صادق علیه السلام در روایت سیزدهم از این باب می‌فرماید:

قَالَ: لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ لَشَيْءٍ قَدْ مَضَى لَوْ كَانَ غَيْرُهُ.

تأسف از گذشته و ناراحتی از بلاها و عدم تمایل به آنچه که اتفاق افتاده است، به معنای عدم رضایت از مقدرات و احکام الهی است. بنا بر این، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ گاه بر آنچه که گذشته بود، افسوس نمی‌خوردند (مجلسی، ۱۴۰۴: ق: ۸ / ۶).

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (نساء: ۳۲).

تمنّا کردن آنچه باعث برتری دیگران شده است، نشانه نارضایتی به داشته‌های خود است. از آنجا که طبق تفسیر البرهان فضل و برتری در این آیه شامل حضرت علی علیه السلام است (بحرانی، ۱۳۷۴: ۲ / ۷۲) و خداوند دیگران را از افسوس بر آن نهی کرده است. در نتیجه، این حدیث معنای عمیق‌تری کاش نگفتن پیامبر را به افسوس نخوردن ایشان و راضی بودن به قضای الهی تعبیر کرده است. بنا بر این، حدیث از نظر گونه‌شناسی تأویل این آیه محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش کوششی برای بررسی استناد احادیث باب الرضا بالقضاء به آیات قرآن کریم است. موضوع این باب رضایت داشتن از مقدرات و تقدیرات الهی است که برای انسجام بخشیدن به مطالب، احادیث را با توجه به موضوع دسته‌بندی نموده و پس از بررسی آیات مربوط، به گونه‌شناسی احادیث نیز پرداخته شده است.

در پایان با توجه به کاوش صورت گرفته اثبات گردید احادیث باب الرضا بالقضاء کتاب شریف اصول الکافی دارای مستندات قرآنی است. همچنین طبق گونه‌شناسی انجام شده در این پژوهش، از بین بسیاری از آیات بررسی شده بیش از پنجاه آیه به عنوان آیات اصلی - که دارای

ارتباط معنایی واضح‌تر بود - انتخاب شد. از این میان، درچهل و هشت آیه، احادیث از نوع تفسیری و چند آیه دیگر، گونه حدیث تأویلی و یا جری و تطبیق تعیین گردید. در پایان لازم به ذکر است از آنجا که در مورد عرضه روایات به قرآن و استمداد از قرآن جهت حدیث پژوهی تلاشی جدی صورت نگرفته است، توصیه می‌شود پژوهش‌گران عرصه قرآن و حدیث به بررسی استنادات قرآنی دیگر ابواب اصول الکافی و یا دیگر کتب حدیثی بپردازند.

پی نوشت ها:

۱. إِذَا حَدَّثَكُمْ بِشَيْءٍ فَاسْأَلُونِي عَنْ كِتَابِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ فِي حَدِيثِهِ إِنَّ اللَّهَ نَهَى عَنِ الْقِيلِ وَالْقَالِ وَ فَسَادِ الْمَالِ وَ كَثْرَةِ السُّؤَالِ فَقَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ... (كلینی، ۱۴۰۷ق: ۵ / ۳۰۰).
۲. شریف الرضی، ۱۳۸۶: ۴۷۸ [۵۳] الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ.
۳. شریف الرضی، ۱۳۸۶: من الحكم، أَنَّهُ قَالَ: الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ فِي الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ فَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۰ / ۵۲).

کتابنامه

۱. قرآن کریم؛
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳). تحف العقول، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم؛
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، محقق / مصحح: میر دامادی، جمال الدین، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دارصادر، چاپ سوم؛
۴. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن، محقق / مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم: مؤسسه البعثة، چاپ اول؛
۵. جعفر بن محمد ۷. (۱۳۷۷). مصباح الشریعة، ترجمه و شرح: عبد الرزاق گیلانی، محقق / مصحح: آقا جمال محمد بن حسین خوانساری، تهران: پیام حق، چاپ اول؛
۶. راغب أصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیة، چاپ اول؛
۷. شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۶). نهج البلاغه، ترجمه: انصاریان، تهران: پیام آزادی، چاپ دوم؛
۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی. آرامبخش دل داغدیدگان (ترجمه مسکن الفؤاد)، محقق / مصحح: مجتبی کلباسی، ترجمه: حسین جناتی، قم: روح، چاپ دوم؛
۹. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۲ ق). المیزان، قم: منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية؛
۱۰. طبرسی. (۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م). تفسیر مجمع البیان، تحقیق و تعلیق: لجنة من العلماء و المحققین الأخصائیین، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الأولى؛
۱۱. طریحی، فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرين، محقق / مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم؛
۱۲. فتحعلی خانی، محمد، آموزه های بنیادین علم اخلاق، جلد یک.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم؛

۱۴. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، محقق / مصحح: طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتاب، چاپ سوم؛
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامية)، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم؛
۱۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ط - بیروت)، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم؛
۱۷. ———. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محقق / صحح: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم؛
۱۸. مطهری، مصطفی. (۱۳۹۲). «روایات تفسیری ابن ولید»، علوم قرآن و حدیث، تفسیر اهل بیت، بهار و تابستان ۱۳۹۲، سال اول، شماره ۱ از ۷۸ - ۱۰۹.
۱۹. هاشمی رفسنجانی اکبر. (۱۳۸۶). تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم و موضوعات قرآن، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)؛
۲۰. ———. (۱۳۸۸)، کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول؛